فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۰- صفحات ۲۲۰-۱۹۷

حق دارنده بر محل سند تجاری؛ ایده‌ها و مقررات با رویکرد انتقادی

نوع مقاله: پژوهشی

محمد شکری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

چکیده

مسأله محل به‌عنوان منبع پرداخت وجه اسناد تجاری از اهمیت خاص برخوردار است. محل صرفاً اختصاص به برات و چک دارد و درخصوص سفته موضوعاً منتفی است. رویکرد این موضوع در وضعیت فوت صادرکننده، ورشکستگی و توقیف اموال بیشتر ظاهر می‌گردد. قانون ایران در این باب ساکت است، این خلأ موجب ابهام در وضعیت محل گردیده است. صدور و ظهرنویسی این اسناد چه تأثیری بر محل آن دارد؟ آیا علاوه بر سند، محل آن نیز منتقل می‌گردد و یا حق خاصی برای دارنده سند بر محل ایجاد می‌شود؟ در برخی نظام‌های حقوقی با صدور و ظهرنویسی برات، محل آن نیز منتقل می‌شود و در برخی دیگر قائل به عدم انتقال محل است، همچنین گاه دارنده بر محل حق انحصاری می یابد. علاوه بر آن، انتقال قراردادی محل نیز گاه پذیرفته شده است. قوانین ایران راجع به محل، سکوت اختیار نموده و این امر در رویه دادگاه‌ها منشأ اختلاف نظر شده است. بر مبنای قوانین جاری، اصولاً محل چک و برات با صدور منتقل نمی‌گردد؛ هرچند درخصوص چک نظرات متعددی وجود دارد که از جهت مغایرت با مقررات جاری قابل نقد است، اساساً در وضعیت قانونی موجود نمی‌توان محملی برای انتقال مالکیت و یا حتی حق رجحان یا حق اختصاصی دارنده یافت. البته قوانین فعلی نیز به جهت رویکرد عدم حمایت از دارنده با انتقاد مواجه است.

کلمات کلیدی: محل، اسناد تجاری، انتقال محل، صدور، ظهرنویسی

طبقه‌بندی JEL: K, K2, K22,K11

[۱] دکترای حقوق خصوصی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران mshokri.pnu@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

مقدمه

اسناد تجاری چک سفته و برات علاوه بر تعاملات تجاری داخلی، در تجارت بین‌المللی نیز مورد توجه و موضوع تنظیم مقررات و قوانین متحدالشکل شده‌اند. معهذا در انواع مختلف روش‌های پرداخت داخلی مخاطراتی وجود دارد که برای تعدیل آن، تلاش‌هایی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام گرفته است (لاو، ۱۹۷۳: ۲۱)[۱]. در تجارت بین‌الملل از ابزارهایی مانند ضمانت‌نامه بانکی، حق حفظ مالکیت کالا و ممانعت از فروش مجدد کالا برای مقابله با خطر عدم پرداخت حواله، چک و برات استفاده می‌شود. ضمانت‌نامه پرداخت به موقع ثمن و یا اقساط آن را تضمین می‌کند. در این صورت هرگاه در پرداخت تأخیری صورت گیرد و یا اینکه اصولاً خریدار از پرداخت امتناع ورزد، فروشنده از محل ضمانت نامه ثمن را وصول خواهد کرد (اسمیت، ۲۰۰۷: ۶۴)[۲]. علاوه بر این شیوه‌ها، انتقال مالکیت محل و یا حق انحصاری دارنده بر آن، نقش بنیادین و مهمی در وصول مبلغ برات و چک ایفا می‌نماید.

اعمال حقوقی عبارتست از آن قسمت از پدیده‌هایی که با اراده و با نیت ایجاد اثر در عالم اعتبار ایجاد می‌گردد و قانون نیز آن را مؤثر می‌داند (فابره مگنان، ۲۰۰۸: ۹)[۳]. درخصوص ماهیت حقوقی برات نظراتی مانند قرارداد انتقال طلب، حواله، وکالت، تبدیل تعهد، نیابت پرداخت دین، ایقاع و نظریه ظاهر ارائه شده است، برخی گفته‌اند نظر مقبول این است که برات ذاتاً عقد یا قرارداد به‌معنای خاص نیست بلکه صرفاً سندی است که متضمن تعهدی تجاری با ویژگی‌های خاص خود که وسیله پرداخت بوده و در مبادلات بازرگانی مانند پول از آن استفاده می‌کنند (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۸۷). لکن در این خصوص باید گفت که اعمالی که بر روی اسناد تجاری انجام می‌شود اعم از صدور، ظهرنویسی، ضمانت و یا قبول براتگیر ارادی و با قصد انشاء صورت می‌گیرد، لذا از اعمال حقوقی محسوب می‌گردند که با استعمال اصطلاح «معاملات برواتی» در بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت نظریه قرارداد بودن این اعمال قوی‌تر است.

«موضوع معامله مجموعه عملیات یا تحولات حقوقی است که برای وقوع آنها تراضی صورت می‌پذیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۵۵). در معاملات راجع به اسناد تجاری، موضوع عمل حقوقی «خود سند تجاری» است، این سند حاوی تعهدی است که دارنده می‌تواند آن را مطالبه نماید، لکن مبلغ چک و برات که به‌وسیله شخص سومی پرداخت می‌گردد، از منبعی پرداخت می‌گردد که به «محل سند تجاری» موسوم است.

---

[۱] Lowe

[۲] Smith

[۳] Fabre-Magnan

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

زمان پرداخت مبلغ سند تجاری از محل آن، در تاریخی است که به‌عنوان تاریخ تأدیه مشخص شده است، البته صدور چک وعده‌دار خلاف مقررات است و باید برای پرداخت‌های نقدی مورد استفاده قرار گیرد، در ماده ۳۱۱ قانون تجارت «بی‌وعده» بودن از شرایط اعتبار چک است (فخاری، ۱۳۸۱). برخی آراء صادره از دیوان عالی کشور چکی که حین صدور فاقد محل باشد را چک ندانسته‌اند؛ طبق حکم شماره ۱۶۸۶ مورخ ۱۳۲۵/۱۰/۳ شعبه ۸ دیوان عالی کشور «به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت، چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید و بدیهی است که شامل اوراقی که بدون داشتن وجه صادر می‌شود نخواهد بود....» (متین، بی‌تا، ۱۴۶).

در رأی شماره ۱۴۹۰ مورخ ۱۳۱۷/۴/۱۳ صادره از شعبه یک دیوان عالی کشور نیز به استناد ماده ۳۱۰ ق.ت چک فاقد محل در زمان صدور را چک تلقی نکرده و آن را سند عادی و حواله دانسته است (متین، بی‌تا: ۱۴۵و۱۴۶). برخلاف برات، در اصلاحیه ۱۳۸۲ قانون صدور چک نیز درخصوص زمان تأمین محل چک، در ماده ۳ با تغییر تاریخ صدور چک به تاریخ مندرج در آن، اصرار مقنن بر ضرورت وحدت تاریخ صدور و تاریخ مندرج در آن را می‌رساند، لکن با الحاق ماده ۳ مکرر که صادرکننده قبل از تاریخ مندرج در چک حق مطالبه وجه را ندارد (فرح‌بخش، ۱۳۸۷). قانون‌گذار تلویحاً چک وعده‌دار را پذیرفته و ضمانت اجرای آن صرفاً اسقاط ضمانت اجرای کیفری است. البته در چک الکترونیکی عملاً صدور چک بی‌محل حین صدور، غیرممکن شده است.

تلاش پژوهش در پاسخ به این سؤال است که صدور و ظهرنویسی چک یا برات چه تأثیری بر محل آن دارد؟ آیا در حقوق ایران براساس مقررات کنونی با صدور و ظهرنویسی علاوه بر سند، محل آن نیز به دارنده منتقل می‌گردد؟ یا دست‌کم می‌توان برای دارنده این اسناد تجاری حقی غیر از مالکیت محل، مانند حق اختصاص محل یا حق ممتاز بر محل نسبت به سایر دیون قائل شد؟ آیا اساساً بر مبنای مقررات تجارت برای محل، می‌توان نسبت به محل چک و برات آثار حقوقی تعیین نمود؟ نظر قضایی در دادگاه‌ها و محاکم جیست؟

در ایران قانون نسبت به انتقال مالکیت محل چک و برات با صدور و ظهرنویسی ساکت است، لذا در نظرات حقوق‌دانان و به‌ویژه در صدور آراء و دیدگاه‌های قضایی تشکیک قابل توجهی ایجاد شده است که با توجه به اهمیت موضوع، نوعی بلاتکلیفی برای اصحاب دعوا را موجب گردیده به‌طوری که بستگی به‌نظر قاضی در هر پرونده دارد. حل این مسأله و ارائه نظری مبتنی بر اصول حقوقی، به‌دلیل شیاع استفاده از چک در جامعه و اختصاص صدر جدول آمار پرونده‌های قضایی به جرائم و دعاوی مربوط به چک در برخی مقاطع زمانی، اهمیت خاص دارد. از طرف دیگر ضرورت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

زدودن موارد ابهام از اسناد تجاری به جهت ممانعت از هرگونه خدشه به اطمینان و اعتماد به این اسناد با توجه به اصل سرعت در معاملات بازرگانی امری مهم به‌نظر می‌رسد.

بنابراین در طرح منطقی موضوع ابتدا مفهوم محل و شرایط منبع آن بررسی خواهد شد، سپس دیدگاه‌های متفاوت در نظام‌های مختلف حقوقی با توجه به مقررات کشورهای دیگر مبنی بر انتقال محل، حق رجحان بر محل و عدم انتقال محل تبیین می‌گردد و در بخش بعدی دیدگاه‌های قضایی مالکیت محل چک در فرض فوت صادرکننده و ارزیابی آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا به‌شیوه پژوهشی و تحلیلی در این بستر دیدگاهی منطبق با مقررات موجود ارائه شود.

در این نوشتار با هدف پردازش واقعی موضوع در جامعه و رویکرد عملی مطالب، ضمن تحلیل نظرات دست‌اندران قضا در نشست قضایی راجع به مالکیت محل چک در صورت فوت صادرکننده، به‌عنوان شمایی از رویه قضایی و نظرات مرتبط از سوی برخی نویسندگان به روش طرح و نقد، در طرح ایده منطبق با مقررات جاری و اصول حقوقی حاکم اهتمام می‌گردد. به‌عنوان تکمله، علاوه بر انتقال قانونی محل، امکان انتقال قراردادی آن نیز بررسی می‌گردد

۱. محل اسناد تجاری و شرایط آن

اسناد تجاری برخلاف نهادهای حقوق مدنی سابقه فقهی ندارد، در مشابهت‌کاوی موضوع راجع به «محل» در فقه، می‌توان عقد حواله را از جهاتی آن را شبیه برات و چک دانست، براساس مکاتب مختلف تعاریفی از حواله ارائه گردیده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳ تا ۳۴). در فقه امامیه مبتنی بر نقل ذمه به ذمه است (حلی، ۱۴۲۵: ۴۲۹). لکن در فقه عامه برخی قائل به ضم ذمه به ذمه می‌باشند (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۷). هرچند بین این دو (حواله و برات) تفاوت‌های متعددی است.

اسناد تجارتی برات، سفته و چک به طرق مختلف مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است. این حمایت‌ها در جهت تحقق اهداف تأسیس و نقش کاربردی این اسناد و تأمین اطمینان بیشتر دارندگان در وصول مبلغ است (نیک فرجام، ۱۳۸۱) در چک و برات اجرای تعهد اصولاً از «محل» آن صورت می‌گیرد. منظور از محل، اعتبار یا موجودی نقدی معادل وجه برات در نزد محال‌علیه است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۶). به‌عبارت دیگر محل عبارتست از «وجهی که به اتکای وجود فعلی آن و یا وجودش در موعد پرداخت، براتکش مبادرت به صدور برات می‌نماید» (اسکینی، ۱۳۷۹: ۵۹).

اصطلاح محل صرفاً درخصوص برات و چک مطرح می‌شود و از آنجایی که در سفته شخص صادرکننده خود، متعهد پرداخت است، بحث محل در این سند تجاری موضوعیت پیدا نمی‌کند، «در سفته یک نفر بدهکار است و دیگری بستانکار»، (کاتبی، ۱۳۸۰: ۲۲۹) به‌عبارتی با تقسیم‌بندی اسناد تجاری به دو دسته تعهد به پرداخت (سفته) و دستور به پرداخت، (برات و چک) (عبدی‌پور و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

فتوحی‌راد، ۱۳۹۵) مفهوم محل صرفاً در گروه اخیر معنا می‌یابد. سبب منبع محل موضوعیت ندارد و می‌تواند هر عمل یا واقعه حقوقی، ارث، وصیت و هر چیز دیگری باشد که متعهد (براتگیر یا محال‌علیه) را در برابر صادرکننده در موعد پرداخت، مدیون نموده باشد، ولی خود محل در زمان سررسید باید طلب پولی باشد؛ خواه از اول وجه نقد بوده و یا بعداً به دین پولی تبدیل شده باشد.

به تعبیر برخی ممکن است پرداخت برات ناشی از دین بخصوصی باشد، یعنی طلبی بوده که برات‌کش از فروش مال بخصوصی از براتگیر داشته است، مانند اعتباری که از فروش یکصد تخته فرش ناشی شده که به این برات، «برات به دین یا محل خاص» گفته می‌شود (رسایی‌نیا، ۱۳۸۳: ۳۴۲). فایده تخصیص محل برات در مواردی که بین براتکش و براتگیر حساب جاری وجود دارد مفید است؛ زیرا براتی که محل آن تخصیص داده شده است پرداخت وجه آن از محل معینی تأمین شده و حتی در صورتی که اعتبار براتکش در نزد براتگیر تمام شده باشد، باز براتگیر ملزم به پرداخت وجه برات است» (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۲). در حقوق فرانسه گاه مبلغ موجود در حساب جاری برات‌کش به‌عنوان منبع محل برات مورد استفاده قرار می‌گیرد و این عمل پذیرفته شده است. ولی از آن جا که میزان حساب جاری برات‌کش تا مسدود شدن حساب قطعی نیست در اینکه می‌توان موجودی حساب را به محل برات اختصاص داد، تردیدهایی وجود دارد (اودیت، ۱۹۹۱: ۲۱۱)[1].

آنچه به‌عنوان محل چک یا برات شناخته می‌شود باید «طلب مسلم» باشد نه مشروط یا معلق‌طلبی که حصول آن منوط به وقوع شرط یا معلق‌علیه باشد تا قبل از تحقق آن، مسلم تلقی نمی‌گردد و نمی‌تواند محل سند تجاری محسوب شود (صقری، ۱۳۸۰: ۱۲۱). همچنین طلب مزبور باید حال باشد نه مؤجل، ملاک حال یا مؤجل بودن زمان سررسید است؛ چنانچه در سررسید سند، طلب هنوز مؤجل باشد درواقع سند فاقد محل تلقی می‌گردد، زیرا قابل مطالبه نیست (صقری، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

منشأ محل سند باید مشروع باشد و چنانچه منبع طلب، قمار و گروبندی یا معاملات نامشروع باشد به استناد ماده ۶۵۴ قانون مدنی قابل مطالبه نیست، چنین طلبی نمی‌تواند محل سند تجاری تلقی شود. همچنین درخصوص امکان تشکیل محل سند تجاری با دینی که طلبکار قانوناً حق مطالبه ندارد و به تعبیر یکی از نویسندگان، دین طبیعی (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۰۲) موضوع ماده ۲۶۶ قانون مدنی نظر به غیرقابل مطالبه بودن آن، نمی‌توان آن را پذیرفت مگر پس از قبول محال‌علیه، که در این صورت به دین حقوقی تبدیل شده است و در صورت وجود سایر شرایط از جمله وجه رایج بودن و حال بودن در سررسید، بلا اشکال است.

---

[1] Audit

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

در اسناد تجاری چنانچه انتقال محل مورد پذیرش واقع شود: اولاً با صدور برات یا چک، محل آن به دارنده منتقل می‌شود؛ لذا چنانچه صادرکننده با ورشکستگی مواجه گردد چون قبلاً محل به دارنده منتقل شده است، جزء اموال صادرکننده ورشکسته محسوب نمی‌شود تا دارنده در ردیف غرما قرار گیرد.

ثانیاً طلبکاران صادرکننده نمی‌توانند جهت دریافت طلب خود محل سند را توقیف نمایند چون با صدور سند، طلب مزبور از دارایی او خارج شده وجزء دارایی دارنده محسوب می‌گردد، بالعکس طلبکاران دارنده می‌توانند محل مزبور را نزد براتگیر یا محال‌علیه به نفع خود توقیف کنند.

ثالثاً صادرکننده پس از صدور سند نمی‌تواند دستور عدم پرداخت دهد یا طلب مربوطه (محل) را از براتگیر یا محال‌علیه مطالبه نماید و دخل و تصرف در آن درحکم دخالت در مال غیر است.

رابعاً با فوت صادرکننده، وراث او حقی نسبت به محل ندارند و در صورت فوت دارنده، ورثه وی ذیحق می‌باشند.

۲. نظام‌های متفاوت راجع به محل اسناد تجاری

۲-۱. انتقال محل

پس از کنوانسیون ژنو، برخی کشورها، پیرو آن و برخی دیگر به حقوق کامن‌لا متکی بودند. کشورهای تابع کامن‌لا با اعلام این که بین حقوق اروپا و کامن‌لا اختلاف‌های عمیقی وجود دارد، به این کنفرانس ملحق نشدند. البته بسیاری از کشورهای اروپایی به کنوانسیون‌های ژنو ملحق شده‌اند و برخی کشورها در موقع تصویب یا تغییر مقررات خود به مقررات ژنو توجه داشته‌اند.(من، ۲۰۰۵: ۳۷)[1]. مطابق ماده ۱۶ ضمیمه دوم قرارداد اول کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰: «اینکه...آیا دارنده حق ویژه‌ای نسبت به این محل دارد یا خیر خارج از دایره شمول قانون متحدالشکل می‌باشد....» لکن ماده ۳۷ کنوانسیون آنسیترال ۱۹۸۸ بیان می‌دارد:[2] «دستور پرداخت مندرج در برات خود بخود موجبات انتقال «محل براتی» که به‌وسیله براتکش در نزد براتگیر تأمین شده است را به دارنده فراهم نمی‌سازد» (عرفانی، ۱۳۷۵: ۱۳۲). با امعان نظر در ماده فوق به‌نظر می‌رسد که کنوانسیون اخیرالذکر انتقال محل برات با صدور را نپذیرفته است.

---

[1] Mann

[2] Article 37: The order to pay contained in a bill does not of itself operate as an assignment to the payee of funds made available for payment by the drawer with the drawee.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

در مورد چک ماده ۱۹ ضمیمه دوم قرارداد اول قانون متحدالشکل ژنو ۱۹۳۱ از ورود به بحث ماهیت محل چک خودداری نموده: «اینکه آیا دارنده چک حقوق ویژه‌ای نسبت به محل آن و آثار این حقوق دارد از شمول قانون متحدالشکل خارج است...» در صورت بروز تعارض قوانین طبق ماده ۷ قرارداد دوم کنوانسیون مذکور قانون کشور محل پرداخت، حقوق دارنده چک و ماهیت این حقوق را معین می‌کند.

در حقوق فرانسه، اصل بر این است که با صدور برات و تسلیم آن به دارنده و همچنین انتقال بعدی برات به دارنده جدید از طریق ظهرنویسی مالکیت محل برات خود به خود به دارنده جدید انتقال می‌یابد» (اودیت، ۱۹۱: ۲۲۱). در فرانسه هرچند محل برات شرط اعتبار و صحت صدور آن تلقی نمی‌شود (عرفانی، ۱۳۸۵: ۳۸) ولی انتقال محل با صدور آن به دارنده پذیرفته شده است، همچنین با ظهرنویسی محل آن به دارنده جدید منتقل می‌شود. در فرانسه مالکیت محل به دارندگان پی‌درپی برات انتقال می‌یابد. لذا با هر بار انتقال سند، محل آن نیز به تبع به دارنده بعدی منتقل می‌گردد.

بنابراین در حقوق فرانسه با صدور برات، محل مربوطه نیز چنانچه حین صدور تأمین شده باشد، صادرکننده حق دخل و تصرف در آن را ندارد. همچنین با ظهرنویسی، دارنده جدید مالک محل آن خواهد شد. چنانچه برات حین صدور، فاقد محل باشد، عمل صدور برات صحیح لکن انتقال محل، سالبه به انتفاء موضوع است. به‌نظر می‌رسد با توجه به پذیرش تئوری انتقال محل در حقوق فرانسه، چنانچه محل برات متعاقباً و بعد از صدور تأمین شود، هر چند محل، عملاً تحویل براتگیر گردیده است، در همان حال و خودبه‌خود به دارنده منتقل می‌گردد.

تنها انتقادی که به سیستم قانونی مذکور در حقوق فرانسه به ذهن می‌رسد، گونه‌ای دوگانگی تحلیلی در این مکانیزم حقوقی است؛ زیرا پذیرش تئوری انتقال محل با صدور و ظهرنویسی اصولاً باید متضمن شرط وجود محل نیز باشد. در تئوری انتقال محل به دارنده، وجود محل به‌عنوان شرط صحت صدور یا ظهرنویسی از نظر اصولی مکمل آن است؛ زیرا در این سیستم در فرض فقدان محل حین صدور، چیزی موجود نیست که به دارنده انتقال یابد. هرچند می‌توان به انتقال خودبه‌خود محل به دارنده به محض تأمین پس از صدور از سوی صادرکننده نزد براتگیر نظر داد. البته از طرفی باید پذیرفت که اگر صحت صدور سند تجاری مشروط به تأمین محل حین صدور باشد، موجب تحدید استفاده از این سند در معاملات است، زیرا یکی از فواید اسناد تجاری تأمین اعتبار در مواردی است که حین صدور براتدهنده قادر به تأمین محل نیست لکن متعاقباً و تا قبل از سررسید، آن را تأمین می‌نماید. در نهایت پذیرش تئوری محل در این کشور با وضعیت موجود

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

نسبت به سایر نظام‌های حقوقی که انتقال محل را نپذیرفته‌اند، موجب حمایت بیشتر از دارنده اسناد تجاری و قابل تقدیر است.

۲-۲. حق رجحان نسبت به محل

در بلژیک دارنده برات نسبت به محل حق رجحان می‌یابد و درواقع قانون سال ۱۹۵۳ برای دارنده یک «طلب ممتاز» بر روی محل قایل گردیده است (اسکینی، ۱۳۷۹: ۶۶). به‌عبارت دیگر نوعی حق انحصاری جهت استفاده از محل برای دارنده ایجاد می‌گردد بدون اینکه با صدور، محل به او منتقل شود. در قانون سوئیس که بینابین دو قانون مذکور است، دارنده برات نسبت به محل برات حقوقی ندارد مگر در مورد ورشکستگی محلی که در این مورد استثنائی از حق مذکور کاملاً استفاده می‌کند (خوشبخت، ۱۳۹۱: ۴۹). ماده ۱۰۵۳ قانون تعهدات سوئیس؛ اولاً در صورت ورشکستگی براتکش، به دارنده حق مطالبه مبلغ برات از براتگیر را داد، ثانیاً انتقال قراردادی محل در برات را پذیرفت.[۱]

۲-۳. عدم انتقال محل

در نظام حقوقی آنگلوساکسون، تئوری محل برات یعنی انتقال محل به دارنده شناسایی نشده است (فخاری، ۱۳۷۳). محل برات[۲] از نظر براتکش و براتگیر و دارنده برات در «تئوری عوض[۳] یا ما به ازاء» مورد بحث قرار گرفته است با این عبارت که وجود عوض و معوض شرط اصلی اعتبار در برات و ایجاد تعهد می‌باشد و فرض بر این است که براتکش کالائی را به براتگیر فروخته و از بابت ثمن معامله طلبکار می‌باشد (تعهد اصلی) و در چنین صورتی است که برات در وجه شخص ثالث بنام دارنده برات یا بحواله کرد او صادر می‌گردد (کولاسا، ۱۹۷۸: ۱۳)[۴]. حال اگر براتگیر پیش از ارائه برات به‌وسیله دارنده برات از قبولی آن خودداری نماید، دارنده برات حق دارد پیش از اثبات اینکه محل برات در نزد محال‌علیه تأمین شده است، مبلغ برات را از او مطالبه نموده و در صورت ورشکستگی داخل در غرماء او بشود. اما اگر براتکش ورشکسته گردد مدیر تصفیه حق نخواهد

---

[1] 1) En cas de faillite du tireur, l'action civile que celui-ci pourrait avoir contre le tiré en restitution de la provision ou au remboursement des sommes dont il a été crédité est dévolue au porteur de la lettre de change.

۲) Si le tireur déclare sur la lettre de change faire cession de ses droits relatifs à la provision, ceux-ci passent au porteur.

3) Après publication de la faillite ou notification de la cession, le tiré ne peut payer qu'au porteur dûment légitimé, contre remise de la lettre de change

[2] Founds

[3] Consideration

[4] Kolasa

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

داشت محل برات را جزء اموال ورشکسته قرار داده و آنها را بین غرماء تقسیم نماید. این تئوری به حقوق فرانسه نزدیک بوده اما با طرز تفکر تجریدی[۱] در حقوق آلمان مغایر می‌باشد.

در حقوق انگلیس محل برات مطرح نمی‌شود، درواقع وجود محل شرط صحت صدور آن نیست و همچنین انتقال برات (صدور و ظهرنویسی) موجب انتقال محل آن نخواهد شد. بند (۱) از ماده ۵۳ قانون ۱۸۸۲ بیان می‌دارد:[۲] «برات موجب انتقال مالکیت وجوهی که در دست محال‌علیه است و به پرداخت برات اختصاص داده می‌شود، نیست...». لکن به موجب بند ۲ همان ماده[۳] به مثابه استثنایی مقرر داشته: «در اسکاتلند، در موارد وجود محل برات نزد محال‌علیه (برات‌گیر) برای پرداخت، محل را از حین صدور به دارنده اختصاص داده است».

حقوق انگلیس توسط کشورهایی که سابقاً مستعمره آن بوده‌اند و نیز در ایالات متحده آمریکا پذیرفته شده است. در آمریکا تحت تأثیر نظام حقوقی کامن‌لا به سبب قانون‌گذاری‌های محلی و رویه قضائی ایالات مختلف، اختلافاتی در حقوق این کشور به‌وجود آمد. برای حل موضوع، کنفرانس ملی در سال ۱۸۹۲ تشکیل شد و قانون مربوط به اسناد قابل انتقال را تحریر کرد که از همان سال به‌عنوان یک قانون خاص وارد هر ایالت شد و بعد این مقررات با تغییراتی در قانون متحدالشکل تجاری[۴] وارد شد که توسط همه ایالت‌ها، بجز لوئیزیانا پذیرفته شده است (رودریک، ۲۰۱۰: ۵۳)[۵]. در امریکا، براساس ماده ۳-۴۰۸ قانون متحدالشکل تجاری، انتقال مالکیت محل اسناد تجاری به دارنده پذیرفته نشده است و چنانچه مسئول سند تجاری ورشکست شده باشد، دارنده به‌عنوان یکی از طلبکاران وی، در ردیف دارندگان حق رجحان قرار نمی‌گیرد (شهبازی‌نیا و رمضانی اکردی، ۱۳۹۱). قانون آلمان نیز برای دارنده برات هیچ حقی نسبت به محل برات، جز انتقال قراردادی آن نشناخته است.

---

[1] abstraite conception La

[2] (1)A bill, of itself, does not operate as an assignment of funds in the hands of the drawee available for the payment thereof, and the drawee of a bill who does not accept as required by this Act is not liable on the instrument. This sub-section shall not extend to Scotland.

[3] In Scotland, where the drawee of a bill has in his hands funds available for the payment thereof, the bill operates as an assignment of the sum for which it is drawn in favour of the holder, from the time when the bill is presented to the drawee

[4] "Uniform Commercial Code"

[5] Roderick

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۳. دیدگاه‌های قضایی مالکیت محل چک در فرض فوت صادرکننده و ارزیابی آن

در این بخش با هدف کاربردی بودن مطالعه و ارتباط با واقعیات مربوط در محاکم، به طرح دیدگاه‌های قضایی راجع به مالکیت محل چک پس از فوت صادرکننده، به مثابه آیینه رویه قضایی و سپس ارزیابی آنها پرداخته می‌شود. به‌ویژه درخصوص چک با توجه به بی‌وعده بودن آن، گاه نظراتی مبنی بر انتقال محل آن با صدور به دارنده دیده می‌شود. در نشست قضایی دادگستری نور، اسفند ۱۳۷۹ موضوع مورد سؤال واقع گردیده که پاسخ‌های ارائه‌شده «عیناً و بدون تغییر» نقل می‌شود تا تحلیل‌های متفاوت و تشکیک نظر در دیدگاه‌های قضایی نسبت به مالکیت «محل» چک روشن گردد:

«درخصوص صدور سند چک که پس از صدور، صادرکننده فوت می‌کند، آیا بانک موظف به پرداخت مبلغ مذکور در چک در تاریخ سررسید می‌باشد یا خیر؟

نظر اول: «نظر به این که بر مبنای مقررات قانون مدنی، در مبحث ارث به شرح ماده ۸۶۷ که مقرر می‌دارد: «ارث» به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند». تفاوتی، بین صدور چک وعده‌دار و یا به‌رؤیت که صادرکننده بلافاصله قبل از تاریخ سررسید و یا مراجعه دارنده بانک فوت نماید، وجود ندارد؛ زیرا در صورت فوت متوفی، دارایی مثبت و منفی شخص مذکور، در آن واحد در سهم وارث قهراً قرار گرفته و ورثه شخص متوفی مالک قهری دارایی مثبت و ملزم به تأدیه دیون مورث خواهند بود (البته با فرض قبول ترکه توسط وارث)؛ بنابراین نظر به اینکه موجودی حساب شخص متوفی، در بانک محال‌علیه در شمار دارایی مثبت وی قرار دارد و به شرح پیش گفته، در آن واحد و قهراً در سهم ورثه قرار می‌گیرد عملاً و منطقاً تأدیه وجه از سوی بانک به شخص دارنده، خلاف مقررات است؛ زیرا در قانون، دیون اشخاص نیز پس از فوت به ورثه حین‌الفوت تعلق گرفته و باید پس از طرح دعاوی مناسب در دادگستری و دادرسی در این خصوص، اقدام به مطالبه طلب شود... دارنده سند چک چگونه می‌تواند قبل از اثبات دین متوفی مستقیماً و بدون مداخله دادگاه از دارایی متوفی استیفا طلب نماید... به همین دلیل است که درصورت عدم موجودی، صادرکننده از سوی مراجع قضایی ضمن تعقیب کیفری، ملزم به پرداخت مبلغ ضرر و زیان وجه چک می‌شود؛ ... بنا به مراتب در هرصورت پس از فوت صادرکننده براساس مقررات قانون مدنی ایران، بانک نباید نسبت به پرداخت مبلغ مندرج در چک به آورنده اقدام نماید و آورنده باید به محاکم قضایی مراجعه تا پس از طرح دعوای مناسب علیه وراث که قبول ترکه نموده‌اند، بتواند استیفای طلب نماید و شناسایی حق دینی دارنده بر صادرکننده نیز می‌تواند مؤید نظر اکثریت باشد» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۸۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

این نظر بدون اینکه قایل به تفاوت بین چک بی‌وعده و وعده‌دار باشد با فوت صادرکننده محل را جزء دارایی مثبت و ماترک وی محسوب می‌نمایند که دارنده برای وصول وجه چک باید به وراث مراجعه نماید. به‌ویژه با تصریح به حق دینی دارنده بر صادرکننده چک، حق عینی ناشی از مالکیت و همچنین حق انحصاری دارنده بر محل را نفی نموده است. حال آنکه در فرض پذیرش تئوری محل، دارنده مستغنی از طرح دعوا و مراجعه به وراث است. این نظر که مبتنی بر عدم انتقال محل به دارنده با صدور چک به‌طور مطلق است، با مقررات فعلی حقوق ایران منطبق‌تر است. اما در پاره‌ای استثنائات نمی‌توان آن را پذیرفت که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

نظر دوم: «نظر به این که صادرکننده، پس از صدور چک منجزاً مبلغ مندرج محل را به دارنده منتقل می‌کند، عملاً دارنده چک در چک‌های به رویت و وعده‌دار مالک محل شده و بانک مؤظف به پرداخت وجه چک به دارنده می‌باشد؛ بنابراین ضرورت ندارد دارنده چک علیه وارث متوفی اقامه دعوی نموده و استیفای طلب کند؛ زیرا ضمن اینکه در قانون تجارت پیش‌بینی شده به محض فوت تاجر مطالبات مدت‌دار طلبکاران حال می‌شود و از طرفی با وحدت ملاک از مقررات جاری می‌توان به نتیجه رسید که تفاوت فیمابین سند چک با سررسید مدت‌دار و یا به‌رؤیت وجود ندارد و لذا چون طلب دارنده چک مسجّل و مشخص است پرداخت وجه چک به وی موافق اصول است» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲: ۱۵۴-۱۵۲).

این نظر قائل به انتقال محل چک است؛ اشکال استدلال در این است که با اینکه در صدر نظریه انتقال محل چک، به‌طور مطلق پذیرفته شده لکن در ادامه آن را به چک بی‌وعده اختصاص داده و حال شدن مطالبات طلبکاران درخصوص چک وعده‌دار ذکر شده است و اینکه اظهار حال شدن طلب، فرع بر اعتقاد به عدم انتقال محل است؛ زیرا با انتقال محل حین صدور، حال شدن موضوعیت نداشته و بی‌وجه است. برخی نیز اعتقاد دارند که با صدور چک محل آن به گیرنده انتقال می‌یابد و گفته‌اند: «چک سندی غیر قابل فسخ می‌باشد و صادرکننده نباید تمام یا قسمتی از مبلغی که بر روی آن چک کشیده است خارج نماید زیرا این مبلغ متعلق به وی نیست».(خزاعی، ۱۳۸۵: ۱۹۵)

نظر سوم: «نظر به اینکه در صورت صدور چک به‌رؤیت، صادرکننده باید در محل موجودی داشته باشد پرداخت وجه چک به دارنده در فرض حاضر به‌دلیل انتقال محل توسط صادرکننده به دارنده، بلامانع است؛ اما در چک‌های وعده‌دار و مدت‌دار به‌دلیل این که متعارفاً و معمولاً صادرکننده در روز سررسید نسبت به تأمین محل اقدام می‌نماید، بنابراین غیرمنطقی و خلاف اصول است که معتقد به آن باشیم محل موجودی به دارنده منتقل شده است؛ لذا در این فرض، دارنده باید نسبت به طرح دعوی مناسب، حسب مورد اقدام، تا از دارایی متوفایی که قهراً به ورثه منتقل شده است استیفای طلب نماید» (باختر، ۱۳۸۷: ۱۱۱ و ۱۱۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

نظر مزبور مبنی بر تفکیک بین چک بی‌وعده و وعده‌دار است؛ این نظریه انتقال محل با صدور را در چک بی‌وعده پذیرفته لیکن در چک وعده دار انتقال محل حین‌الصدور را قبول ننموده است. در این نظر تفاوت بین دو نوع بی‌وجه است، بحث انتقال یا عدم انتقال محل از زمان صدور یا ظهرنویسی سند مطرح است و تفاوتی از این جهت بین وعده‌دار و بی‌وعده مبنایی ندارد، زیرا اسناد تجاری چک و برات که اسناد دارای محل می‌باشند اسنادی غیرقابل برگشت می‌باشند؛ درواقع قراردادهای مربوط به این اسناد و انتقال آنها لازم و غیرقابل فسخ تلقی می‌شوند. زمان سررسید نمی‌تواند زمان انتقال محل باشد زیرا در این صورت حتی با عدم مطالبه و اقدام برای دریافت وجه باید محل آن را جزء دارایی دارنده محسوب نمائیم درحالی‌که مطابق ماده ۲۹۱ قانون تجارت، درصورت عدم اقدام به موقع دارنده، برات‌گیر پس از انقضای مواعد (که بعد از سررسید می‌باشد) می‌تواند محل برات را به صادرکننده یا ظهرنویسان مسترد نماید و از این جهت هیچ مسؤولیتی ندارد.

مباحث مربوط به «محل» درخصوص چک و برات یکسان است و بی‌وعده بودن چک نمی‌تواند موجب انتقال محل آن حین‌الصدور باشد، زیرا برات به رؤیت نیز که فاقد وعده است همانند چک و از نظر مقررات مربوط به محل با برات وعده‌دار تفاوتی نمی‌کند، بنابراین در حقوق ایران صدور یا ظهرنویسی چک اعم از با وعده و بی وعده موجب انتقال محل به دارنده نیست.

با توجه به اینکه چک نیاز به قبولی محال‌علیه ندارد تا قبل از ارائه، از وجود آن اطلاع ندارد، لذا چنانچه صادرکننده به هر نحو پس از صدور، محل چک را مسترد نماید، محال‌علیه (شخص یا بانک) مسؤولیتی ندارد، به همین دلیل بر خلاف آنچه ادعا گردیده است؛ ماده ۳۱۰ قانون تجارت انتقال محل چک به دارنده را مقرر ننموده است (اسکینی، ۱۳۷۹: ۲۰۶و۲۰۷).

نظر چهارم (نظر کمیسیون، نشست قضایی (۵) مدنی): نظر به اینکه شخصی که در زمان حیات خود چک صادر می‌کند، از موجودی بانکی وی به میزان چک، متعلق حق دارنده چک قرار می‌گیرد و بانک طبق مقررات بانکی، باید وجه چک را به آورنده پرداخت نماید، مگر این که حساب بانکی به علت فوت و اعلام آن به بانک مسدود شده باشد که در این صورت، در صورت قبول ترکه، وراث ضامن پرداخت وجه چک خواهند بود» (معاونت آموزش وتحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۸۴).

این نظر انتقال موجودی به میزان چک - که همان محل چک است - را به دارنده پذیرفته ولی با فوت صادرکننده و مسدود شدن آن، وراث را در صورت قبول ترکه ضامن پرداخت دانسته است. درواقع با توجه به نحوه بیان موضوع که مرقوم گردیده «در صورت قبول ترکه»، به‌نظر می‌رسد محل چک را جزء ترکه محسوب نموده است. همچنین براساس قسمت اخیر نظر ارائه‌شده و مفهوم مخالف آن در صورت فوت صادرکننده و مسدود نشدن حساب به‌دلیل عدم اعلام فوت به بانک، دارنده می‌تواند وجه آن را دریافت نماید. در این اظهار نظر صدر نظریه با نتیجه‌گیری آن تعارض

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

دارد؛ اگر انتقال محل به دارنده با صدور چک پذیرفته شود، فوت صادرکننده اصولاً نباید تأثیری در آن داشته باشد زیرا محل با صدور از دارایی او خارج گردیده است.

۴. دیدگاه تحلیلی بر مبنای اصول و مقررات موجود و اصلاحات تقنینی بایسته

در حقوق ایران نظریه محل برات پذیرفته نشده است، بلکه در مواد ۲۷۴، ۲۷۵ و ۲۷۶ قانون تجارت به آن اشاره شده و آثار حقوقی نیز مترتب گردیده است. علی‌رغم تصور اولیه نمی‌توان دارنده برات را جهت مطالبه وجه آن دارای آزادی کامل شناخت و مهلتی بدین منظور تعیین شده است (کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). قانون تجارت ایران در ماده ۲۷۴ در مورد برات به‌رؤیت یا به وعده از رؤیت اثر عدم ارائه را سقوط حق رجوع به ظهرنویسان و برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال‌علیه رسانده است، اعلام می‌نماید (کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). بنابراین با اینکه محل پس از صدور برات در مالکیت صادرکننده باقی می‌ماند اما برخی مواد قانون به وضوح به محل و تأثیر آن در برخی موارد تصریح نموده‌اند.

این مواد درخصوص رعایت مقررات و مواعدی است که دارنده برات مکلف به رعایت آنهاست تا بتواند از تعهد براتی و ماده ۲۴۹ استفاده نماید. درچند ماده از عنوان «وجه برات» نام برده شده است که منظور همان محل برات است، در مواد ۲۷۴، ۲۹۹ و ۲۹۱ این واژه در مفهوم محل به‌کار رفته است. از ماده ۲۷۴ به بعد درخصوص رعایت مواعد از سوی دارنده برات است، این مواعد شامل مطالبه قبولی یا پرداخت درخصوص برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت، اعتراض عدم تأدیه و اقامه دعوا می‌باشد: اولاً چنانچه دارنده به وظایف خود در موعد قانونی عمل نموده باشد، به استناد ماده ۲۴۹ قانون تجارت حق مراجعه به کلیه متعهدین برات اعم از صادرکننده، ظهرنویس و... را دارد، امکان مراجعه به براتگیر درصورتی است که برات را قبول نموده باشد و اگر قبول ننموده باشد پس از اعتراض عدم تأدیه صرفاً به سایر متعهدین برات می‌تواند مراجعه کند، هرچند محل نزد براتگیر تأمین شده باشد. بنابراین در فرضی که دارنده به وظایف مزبور عمل نموده باشد، درواقع محل برات تأثیری در حق مراجعه دارنده ندارد بلکه با استفاده از تعهد براتی می‌تواند به برات‌گیر (درصورت قبولی) و درصورت عدم قبول و یا عدم تأدیه، پس از اعتراض به سایر متعهدین مراجعه نماید.

ثانیاً درصورتی که دارنده به وظایف خود در موعد قانونی عمل نکرده باشد، محل برات در حق مراجعه وی مؤثر خواهد بود، درواقع دارنده کاهل صرفاً به کسی حق مراجعه دارد که محل برات نزد اوست، زیرا به موجب ماده ۲۹۰ اگر برات‌دهنده وجه برات یعنی محل را به محال‌علیه رسانیده باشد صرفاً می‌تواند به وی یعنی محال علیه رجوع نماید زیرا محل برات نزد اوست، لیکن درصورتی‌که صادرکننده به وظیفه تأمین محل برات نزد براتگیر در سررسید عمل ننموده باشد، دارنده برات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

علاوه بر براتگیری که برات را قبول نموده است، حق مراجعه به وی (صادرکننده) را نیز خواهد داشت.

در همین راستا ماده بعد (۲۹۱) نیز به دارنده امکان مراجعه به هر کدام از برات‌دهنده یا ظهرنویسان که محل را پس از انقضای مواعد مسترد نموده‌اند، قایل گردیده است. بنابراین در فرضی که دارنده کاهل به موقع جهت قبولی، اعتراض و یا اقامه دعوا اقدام ننموده است، مراجعه براساس محل برات خواهد بود و می‌تواند به شخصی که محل نزد اوست مراجعه نماید.

در این حالت محل برات به‌عنوان موضوع معامله براتی یعنی موضوع تعهد برات تلقی و ذی‌حق می‌تواند آن را از شخصی که در ید اوست مطالبه نماید. لذا در حقوق ایران هرچند صدور برات موجب انتقال محل آن به دارنده نخواهد شد و با ورشکسته شدن برات‌دهنده محل به مثابه سایر اموال او به نفع طلبکاران توقیف و دارنده در ردیف غرما قرار خواهد گرفت ولی پس از انقضاء مواعد جهت مراجعه، محل برات به نحوی مورد توجه قرار گرفته و دارنده در این صورت به کسی می‌تواند مراجعه کند که محل برات نزد اوست و در این حالت مبنای مراجعه محل برات خواهد بود نه تعهد براتی.

نکته دیگر اینکه از ماده ۲۹۱ استنباط می‌گردد، پس از انقضای مواعد تعیین شده برای اعتراض و ابلاغ اعتراض‌نامه و یا اقامه دعوا، برات‌گیر حق دارد محل برات را که نزد او بوده است به صادرکننده یا ظهرنویسان عودت دهد، درصورتی‌که اگر با صدور برات محل به دارنده منتقل می‌گردید، براتگیر حق عودت آن به آنها را نداشت چرا که متعلق به دارنده بوده و صِرف تحویل به وی موجب رفع مسؤولیت براتگیر می‌گردد.

برخی از سکوت مقنن نسبت به انتقال محل، این‌گونه برداشت کرده‌اند که چنانچه برات به قبولی براتگیر رسیده باشد به‌دلیل اینکه براتگیر به اتکاء محل برات، قبولی نوشته است محل برات از مالکیت براتکش خارج شده و در اختیار برات‌گیر است که به دارنده برات تسلیم نماید؛ فلذا طلبکاران براتکش ورشکسته حقی بر محل برات ندارند لکن قبل از قبول برات از سوی برات‌گیر به‌دلیل اینکه هنوز تعهد برات‌گیر برای پرداخت برات تحقق نیافته، محل برات هنوز به‌صورت طلبی است که براتکش از براتگیر دارد، لذا طلبکاران برات‌کش ورشکسته حق مطالبه آن را ندارند (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۱). علاوه بر انتفاء حق مالکیت دارنده بر محل در حقوق ایران، حق رجحان دارنده نسبت به محل نیز براساس مقررات جاری منتفی است؛ برخلاف نظر برخی نویسندگان، عبارت «تا تمام طلب خود را کاملاً وصول نماید» در ماده ۲۵۱ ق.ت دلالت بر «حق رجحان دارنده» بر سایر طلبکاران ورشکسته (ورشکستگان از مسئولین برات) ندارد؛ زیرا تصریح ماده مذکور به امکان ورود دارنده «در هر یک از غرما یا در تمام غرما» حاکی از بردن حصه است نه رجحان وی؛ به‌ویژه اینکه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

از مبنای رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۸/۶ یعنی؛ انحصار اولویت‌ها به مصرحات قانونی، عدم حق اولویت طلب ناشی از اسناد تجاری نسبت به سایر دیون، به سهولت قابل برداشت است و همان‌طور که دیگران نیز گفته‌اند: «حقوق ممتاز تأسیسی قانونی است، بدون تصریح قانون‌گذار ایجاد نمی‌گردد (فولادگر و ایزانلو، ۱۳۹۹).

برمبنای اصول فقهی نیز حکومت اصول عملیه در موارد فقد دلیل و اماره، یک قاعده پذیرفته شده و مسلم است، ریشه اصول عملی علاوه بر بنای عقلا به روایات و سنت معصومین نیز مستند است به نحوی که امام معصوم(ع) در پاسخ به شک مابین نماز چهار رکعتی، مخاطب متحیر را به عدم نقض یقین با شک راهنمایی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۶۰). در تعریف استصحاب گفته شده «حکم به بقای حکم یا موضوع دارای حکم که در بقای آن شک شده است» (آخوند خراسانی، ۱۳۶۸: ۲۷۳). و به نحو مختصر گفته‌اند: «هو ابقاء ما کان» (انصاری، ۱۳۷۴: ۱۵۴) بر این اساس با حکومت اصل عملی استصحاب، با فقد دلیل و سکوت قانون راجع به انتقال محل و هرگونه حق انحصاری یا اولویت دارنده بر محل، به بقاء یقین سابق یعنی حق و مالکیت مالکِ «محلِ» قبل از صدور یا ظهرنویسی چک نسبت به محل آن، حکم می‌گردد؛ بر همین مبنا با توجه به «اصل عدم انتقال محل» و استصحاب مالکیت برات‌کش بر «محل»، حق دارنده بر محل، حتی پس از قبول از سوی براتگیر موجّه نمی‌باشد و با توجه به سکوت قانون نمی‌توان انتقال محل با صدور و ظهرنویسی را پذیرفت، بنابراین برخلاف حقوق فرانسه با صدور برات، محل آن به دارنده منتقل نمی‌شود و همچنان همانند سابق به برات‌کش تعلق دارد هرچند از جهت اینکه وجود محل شرط صحت برات نیست، با حقوق فرانسه شباهت دارد.

محل چک مطابق تصریح ماده ۳ قانون صدور چک می‌بایست «وجه نقد» باشد؛ زیرا مطابق قانون تجارت نیز چک نمی‌تواند وعده‌دار باشد و باید فوراً به محض ارائه پرداخت گردد لکن ماده ۳ مکرر به‌طور ضمنی چک وعده‌دار را به‌عنوان چک حقوقی پذیرفته است. هرچند فقدان محل چک مطابق قانون صدور چک جرم تلقی می‌گردد لیکن همانند برات شرط صحت صدور آن نمی‌باشد. در ماده ۵ قانون صدور چک نیز صریحاً نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، تحت عنوان «بی‌محل» یاد کرده است و آن را متضمن عواقب و مسئولیت حقوقی و کیفری دانسته است.[1] بر این اساس مطابق مقررات فعلی در چک همانند برات، باید قائل به عدم انتقال محل با صدور یا ظهرنویسی بود. بنابراین مطابق مقررات جاری، با توجه به عدم پذیرش تئوری محل در قوانین ایران، در موارد عارض شدن ورشکستگی، چنانچه پس از صدور برات، برات‌دهنده ورشکست گردد، مدیرتصفیه می‌تواند محل برات را از براتگیر مطالبه نماید و دارنده نه تنها مالک محل نیست، بلکه حق رجحان نیز

[1] موضوع ماده ۳ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

ندارد و باید داخل در غرما شود. این وضعیت مغایر با حمایت کامل از دارنده سند تجاری است تا با آسودگی خاطر آن را بپذیرد، از این رو رویکرد قوانین موجود از این نظر مانع اطمینان و اعتماد به اسناد تجاری در روابط بازرگانی و در نتیجه مغایر توسعه و تسهیل امور تجاری است.

برخلاف عمومات قانون تجارت و قانون صدور چک که مبتنی بر عدم پذیرش تئوری محل می‌باشد، ماده ۵ قانون چک‌های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲ به مثابه یک استثنا بیان می‌دارد: «به بانک ملی ایران اجازه داده می‌شود که به تقاضای مشتریان، چک‌هایی به نام چک‌های تضمین شده که پرداخت وجه آن از طرف بانک تعهد شده باشد، در دسترس صاحبان حساب بگذارد». به موجب ماده ۲ این قانون «صادرکننده و پشت نویسان حق ندارند پرداخت وجه چک تضمین شده را منع کنند یا تقاضای مسدود کردن آن را بنمایند»

با توجه به ماده فوق که صادرکننده پس از صدور چک و همچنین ظهرنویسان حق منع پرداخت یا مسدود نمودن وجه این نوع چک را ندارد و درواقع نمی‌تواند پس از انتقال در آن دخالت نماید، درواقع می‌توان برداشت نمود که این ماده انتقال محل چک به محض صدور و یا ظهرنویسی به دارنده را پذیرفته است و یا دست‌کم برای دارنده نسبت به محل چک صادره، حق انحصاری قائل گردیده است.

همچنین طبق ماده ۳ قانون مذکور: «فوت و حجر و ورشکستگی صادرکننده چک تضمین‌شده خللی به حقوق دارنده چک وارد نخواهد ساخت. طلبکاران صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را درصورتی‌که به نفع دیگری صادر یا پشت نویسی شده باشد، نخواهند داشت».

با تصریح ماده ۳ این قانون، توقیف محل این‌گونه چک‌ها از سوی مدیر تصفیه صادرکننده و یا ظهرنویسان ورشکسته غیرممکن است، همچنین حسب مورد طلبکاران آنها در غیر مورد ورشکستگی و ورثه و یا قیم آنها نیز نمی‌توانند محل چک را برداشت نمایند و یا دستور عدم پرداخت آن را صادر کنند و امکان دخالت آنها در آن سلب گردیده است؛ چنین امری مبین انتقال مالکیت آن با صدور و ظهرنویسی به دارنده است؛ زیرا سیاق انشاء مبتنی بر قطع رابطه محل با صادرکننده و ظهرنویس است که به محض صدور یا ظهرنویسی رخ می‌دهد، لهذا در این قانون خاص، قانون‌گذار انتقال محل چک یا دست‌کم حق انحصاری دارنده بر محل چک، با صدور یا ظهرنویسی را مقرر نموده است، این وضعیت ناشی از غرض مقنن برای حمایت کامل از دارنده این دسته از اسناد تجاری است؛ بنابراین باید گفت با توجه به این دو ماده، این نوع چک استثنا بر سایر انواع چک و برات بوده و انتقال محل با آن پذیرفته شده است.

انتقال محل برات با صدور و ظهرنویسی سند متضمن تضمینی از نوع واقعی به نفع دارنده است که به امتیاز پر ارزش مسئولیت تضامنی امضاکنندگان افزوده می‌شود (فخاری، ۱۳۷۳). نقش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

کاربردی اسناد براتی به‌عنوان جایگزینی برای پول، تحصیل اعتبار و وسیله تضمین تعهدات مورد تأیید و تأکید قانون‌گذاران داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲). بنابراین حکم قانون مذکور مبنی بر تئوری انتقال محل، باید به سایر چک‌های موضوع قانون تجارت و قانون صدور چک و همچنین برات تسری یابد. اتخاذ اثر انتقال محل چک و برات با صدور و ظهرنویسی به دارنده موجب استحکام بیشتر این اسناد تجاری رایج در معاملات و روابط معاملاتی می‌گردد و هدف قانون‌گذار برای افزایش اعتماد مردم به استفاده از این اسناد تأمین می‌گردد.

۵. امکان انتقال قراردادی محل (شرط انتقال)

آنچه تا اینجا در نوشتار راجع بدان بحث شد، انتقال محل اسناد تجاری به موجب قانون است؛ به نحوی که با صدور و ظهرنویسی محل آن نیز منتقل شود یا خیر؟ بر این اساس می‌توان این نوع از انتقال محل را «انتقال قانونی محل» نامید. پذیرش انتقال مالکیت محل یا ایجاد حق انحصاری دارنده بر محل و یا عدم تاثیر انتقال سند تجاری نسبت به محل آن، از شقوق مختلفی است که با توجه به نظام حقوقی تجاری هر کشور می‌تواند بر این اسناد حاکم باشد. نوع دیگر انتقال محل اسناد تجاری، انتقال با تراضی است؛ برخلاف انتقال قانونی محل، در این نوع علاوه بر انتقال سند تجاری، راجع به انتقال محل توافق می‌گردد. این نوع «انتقال قراردادی محل» است.

انتقال قراردادی محل برات در برخی کشورها مانند آلمان پذیرفته شده است (صقری، ۱۳۸۰: ۱۲۸و۱۲۹). این نوع انتقال اصولاً با شرط مندرج در سند قابل تحقق است. در این صورت چنانچه نظام حقوقی کشور مربوطه آن را بپذیرد، با صدور سند تجاری، محل آن به دارنده منتقل می‌شود و با ظهرنویسی نیز دارنده جدید مالک بر محل می‌گردد. این نوع انتقال محل برای کشورهایی مفید بوده و دارای کاربرد است که همانند کشورهای آنگلوساکسون و ایران، سیستم قانونی آنها، انتقال محل سند به‌طور خودبه‌خود و به موجب قانون به منتقل‌الیه سند تجاری را نپذیرفته است. بالعکس در نظام‌های مبتنی بر قبول تئوری انتقال قانونی محل، این شرط، به‌صورت منفی آن؛ یعنی شرط عدم انتقال محل، می‌تواند اثری مغایر با قانون ایجاد نماید و از انتقال محل با صدور یا ظهرنویسی جلوگیری نماید.

در این خصوص براساس اصول حقوقی، باید دید در نظام حقوقی مورد بررسی، مقررات تجاری مربوط به انتقال قانونی محل و یا عدم انتقال قانونی محل، جزء قوانین آمره است یا تکمیلی. درصورت اول، امکان شرط خلاف قانون باطل و درصورت مخیّره بودن آن قوانین، شرط خلاف، قانون را بی‌اثر می‌نماید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

با اینکه ماده ۱۶ ضمیمه دوم قرارداد اول کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰، حق نسبت به محل را خارج از کنوانسیون دانسته، ممنوعیت انتقال قراردادی (ضمن اندراج در سند تجاری) از آن قابل برداشت نمی‌باشد. همچنین با امعان نظر در ماده ۳۷ کنوانسیون آنسیترال ۱۹۸۸ هرچند که کنوانسیون اخیرالذکر انتقال محل برات با صدور را نپذیرفته، لیکن با توجه به مفهوم ماده و واژه «خود به‌خود» می‌توان استنباط نمود که انتقال قراردادی محل و با تصریح به آن در برات، ممکن است.

در بیان اعتبار شرط قراردادی نسبت به موضوع محل، در حقوق فرانسه بر مبنای عدم وابستگی صحت صدور برات به وجود محل، می‌توان گفت که هرچند در موارد اطلاق، اصل بر انتقال محل است، لکن صادرکننده برات حین صدور و ظهرنویسی می‌تواند با شرط عدم انتقال محل برات، مالکیت محل را برای خود حفظ نماید، که در چنین مواردی تا قبل از وصول وجه از سوی دارنده، حسب مورد صادرکننده یا ظهرنویس می‌تواند در محل تصرف نماید.

راجع به اعتبار شرط انتقال محل و به‌عبارتی انتقال قراردادی محل اسناد تجاری همانند آنچه در حقوق آلمان، سوئیس و ایتالیا پذیرفته شده است، در حقوق ایران، برخی در پاسخ به اعتبار شرط مندرج در برات مبنی بر انتقال محل به نفع دارنده، پاسخ منفی داده‌اند؛ زیرا؛ «چنین انتقالی به منزله مداخله تاجر در اموال مالی خود در دوران پس از صدور حکم ورشکستگی تلقی می‌شود که مطابق ماده ۳۱۸ ق.ت ممنوع است» (فخاری، ۱۳۷۳). نظر مزبور درخصوص مورد مطروحه یعنی اندراج شرط انتقال محل توسط صادرکننده بعد از ورشکستگی وی، صحیح است. البته در این نظر به دیگر شقوق از جمله حالت عادی موضوع؛ یعنی انتفای ورشکستگی و حتی حدوث ورشکستگی صادرکننده بعد از درج شرط و یا ورشکستگی دارنده پرداخته نشده است. بدیهی در این موارد به دلایل ذکر شده، منعی برای صحت و اعتبار شرط انتقال محل به دارنده نیست. ضمن اینکه موضوع ورشکستگی با توجه به اختصاص آن به تجار، صرفاً در زمانی موضوعیت می‌یابد که شخص صادرکننده، تاجر باشد و در مورد اشخاص غیرتاجر در هر حال شرط انتقال محل اصولاً باید آن را صحیح دانست.

بنابراین درخصوص انتقال قراردادی محل اسناد تجاری، هرچند در حقوق ایران اصل بر عدم انتقال محل برات و چک است و به امکان انتقال محل چک یا برات به صورت شرط مندرج در سند تجاری (انتقال قراردادی) تصریح نشده است، لکن «شرط انتقال محل» با توجه به عدم ممنوعیت آن در قوانین، به استناد اصل آزادی قراردادی و ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح و نافذ است، بدیهی است در این صورت انتقال مالکیت محل بین طرفین شرط حسب مورد با صدور یا ظهرنویسی صورت می‌پذیرد، البته درصورتی‌که توافق بر انتقال محل با انتقال برات یا چک، طبق قراردادی جداگانه و خارج از سند تجاری مربوطه باشد، صرفاً بین اشخاص طرف توافق مؤثر بوده ولی چنانچه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

شرط انتقال محل، در سند منعکس شده باشد، انتقال محل بین ایادی بعدی نیز با ظهرنویسی سند، رخ می‌دهد، مگر با تصریح مجدد اثر شرط را خنثی نمایند.

نتیجه‌گیری

اسناد تجاری چک، سفته و برات از اسناد مهم در روابط معاملاتی و بازرگانی افراد جامعه محسوب می‌گردد که با ایفای فوایدی از قبیل تأمین اعتبار، وسیله پرداخت مانند پول، جلوگیری از جابجایی پول و کاهش نیاز به چاپ پول و حتی به تبع عاملی کمابیش مؤثر در ممانعت از کاهش ارزش پول ملی نیازمند تقویت هرچه بیشتر و تدارک زمینه‌های قانون‌گذاری در جهت اعتماد بیشتر افراد در استفاده از این اسناد است.

تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد مانند کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱، آنسیترال ۱۹۸۸ و قوانین داخلی کشورها هماره در جهت اعتباربخشی بیشتر به این اسناد بوده است؛ به‌طوری‌که ایجاد اصولی مانند اصل استقلال امضاها، اصل عدم توجه ایرادات و تجریدی بودن آنها همگی اقدامات و تلاش‌هایی تقنینی در این راستا بوده است. لهذا جای آن دارد قانون‌گذار با اصلاح و بازنگری در قوانین جاری اقدامات تقنینی مؤثر در اعتبار بخشی بیشتر به این اسناد را عملی نماید.

«محل» به‌عنوان منبع وصول مبالغ این اسناد نقش انکارناپذیری در این خصوص ایفا می‌نماید و شاید به‌عنوان مؤثرترین عامل در پرداخت یا عدم پرداخت چک و برات شایان توجه بیشتری است. یکی از ظرفیت‌های مهم برای قانون‌گذاری، در راستای اعتبار بخشی، موضوع انتقال محل چک و برات و یا ایجاد حق انحصاری دارنده بر آن با صدور و ظهرنویسی است. با انتقال محل این اسناد دست صادرکننده و ظهرنویس به‌عنوان مالکان قبلی محل از دخالت و ایجاد موانعی برای پرداخت آن کوتاه می‌شود؛ زیرا با امضا صادرکننده مالکیت محل نیز همراه با ورقه چک و برات به دارنده منتقل می‌شود، همان‌طور که قانون تجارت فرانسه این مهم را پذیرفته است.

رویکرد حقوقی انتقال محل با صدور و ظهرنویسی، سلب هرگونه امکان برای دست‌اندازی و از بین بردن محل به زیان دارنده است، زیرا از آن به بعد مالک محل، دارنده سند است. این امر موجب افزایش اعتبار این اسناد در روابط معاملاتی خواهد شد، به‌طوری که با صدور یا ظهرنویسی، دارنده اطمینان دارد که محل آن از ناحیه صادرکننده و ظهرنویس مصون خواهد ماند.

رویکرد دیگر این اثر حقوقی، جنبه پیشگیری از موارد قابل توجه بلامحل بودن چک و برات است؛ چنانچه تئوری انتقال محل چک پذیرفته شود، با توجه ممنوعیت استرداد محل، قطعاً از وقوع قسمت معتنابهی از این موارد پیشگیری می‌شود که به‌دلیل برداشت یا دخالت پس از صدور حادث

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

می‌گردد. به‌ویژه هم اکنون که موضوع دولت الکترونیک در حال فراگیر شدن است. البته با فراهم شدن کنترل الکترونیکی بانک‌ها بر صدور چک با اصلاحیه آبان ۱۳۹۷ و ضرورت تدارک محل چک الکترونیک حین صدور، بلامحل این اسناد در زمان صدور و ظهرنویسی، غیرممکن شده است، در این راستا تئوری انتقال محل در تمام انواع چک با صدور یا ظهرنویسی، گامی مؤثر در افزایش اعتماد و امنیت استفاده از چک خواهد بود؛ زیرا دارنده نگران حدوث فوت و یا ورشکستگی صادرکننده و در نتیجه ورود در غرما نخواهد بود.

رویکرد اقتصادی این اثر حقوقی نیز چه در عرصه ملی و چه فردی مشهود است؛ به نحوی که با اتخاذ آن، امنیت معاملاتی این اسناد افزون می‌گردد و شیاع استفاده از آن با اطمینان خاطر بشتر و به تبع سرعت معاملات و افزایش کمی و کمک به رونق معاملات و تجارت را سبب می‌شود که همین امر در نیاز کمتر به استفاده از پول نیز مؤثر خواهد بود.

قانون صدور چک بلامحل و جرم دانستن آن به‌ویژه اصلاحات اخیر راجع به چک الکترونیک، خود با تئوری انتقال محل هماهنگی بیشتری دارد و در ایجاد آثار مثبت این قانون نقش مکمل را ایفا می‌نماید. حداقل در چک‌های الکترونیک این امکان فراهم است زیرا با فقدان محل، عمل صدور و یا ظهرنویسی الکترونیکی با مانع و عدم پذیرش سیستم الکترونیکی هوشمند مواجه خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۳۶۸). کفایۀ الاصول، ج۲، چاپ هفتم، تهران:کتابفروشی اسلامیه.

۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۹). حقوق تجارت (برات،سفته،چک...). چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۳). حقوق تجارت تطبیقی، تهران: انتشارات مجد.

۴. اخلاقی بهروز (۱۳۷۱). جزوه درسی حقوق تجارت۳، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۲-۱۳۷۱.

۵. افتخاری، جواد (۱۳۸۴). حقوق تجارت۳، چاپ دوم، تهران: ققنوس.

۶. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد (۱۳۷۴). فرائد الأصول، (رسائل)، محشی، چاپ قم.

۷. باختر، سید احمد (۱۳۸۷). اسناد تجاری (چک، فته طلب، برات) در آئینه قانون تجارت و رویۀ قضایی به انضمام قانون صدور چک، تهران: خرسندی.

۸. رسایی نیا، ناصر (۱۳۸۳). کلیات حقوق بازرگانی، چاپ هشت، تهران: انتشارات دریچه.

۹. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۰). حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ نوزدهم، تهران: دادگستر.

۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). عقد حواله، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

۱۱. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۴۲۵). تذکره الفقها، جلد ۱۴، چاپ اول، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

۱۲. خزاعی، حسین (۱۳۸۵). حقوق تجارت (اسناد تجارتی)، تهران: نشر قانون.

۱۳. خوشبخت، علی (۱۳۹۱). اسناد تجاری در نظام‌های حقوقی مختلف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۱۴. شهبازی‌نیا، مرتضی و رمضانی آکردی، حبیب (۱۳۹۱). «ورشکستگی چند نفر از مسئولان اسناد تجاری و حق رجوع دارنده در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش‌های تطبیقی، دوره ۱۶، شماره۲، صص ۱۴۹-۱۲۷.

۱۵. صقری، محمد (۱۳۸۰). حقوق بازرگانی اسناد، گزیده‌ی آموزشی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۶. دمرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۴). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران: میثاق عدالت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۱۷.عبدی‌پور، ابراهیم؛ فتوحی‌راد، علی (۱۳۹۵). «تحلیل اقتصادی اسناد تجاری به‌عنوان سیستم پرداخت»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و سوم، شماره۹، صص ۱۳۵-۱۱۲

۱۸.عرفانی، محمود (۱۳۷۵.، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱۹.عرفانی، محمود (۱۳۸۵). حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

۲۰.عرفانی، محمود (۱۳۸۸). حقوق تجارت تطبیقی. جلد ششم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.

۲۱.فرح بخش، مجتبی (۱۳۸۷). «بررسی تغییرات و نوآوری های قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۸۲»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره۱، صص ۲۶۹-۲۴۹.

۲۲.فخاری، امیرحسین (۱۳۸۱). «استفاده از چک برای کلاه‌برداری»، الهیات و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۵-۳۵.

۲۳.فخاری، امیرحسین (۱۳۷۳). «درصورتی‌که برات‌دهنده ورشکسته شود، آیا دارنده برات به‌عنوان طلبکار ممتاز شناخته می‌شود؟ فصلنامه تحقیقات حقوقی، پاییز ، دوره۱، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۱۲۴-۹۹.

۲۴.فولادگر، فریبا و ایزانلو، محسن (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی اجرای حقوق ممتاز دریایی در دادرسی ورشکستگی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۱، صص ۲۱۶-۱۹۳.

۲۵.کاتبی، حسین‌قلی (۱۳۸۰). حقوق تجارت، چاپ نهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

۲۶.کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۷.کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

۲۸.کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۹). بدائع الصنائع، جلد۶، پاکستان: المکتبه الحبیبیه.

۲۹.کاویانی، کورش (۱۳۸۳). حقوق اسناد تجارتی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۳۰.کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷) الکافی، ج۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۱.متین، احمد (بی‌تا)، مجموعه رویه قضایی قسمت حقوقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، چاپخانه هاشمی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۳۲.معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۲). مجموعه نشست‌های قضایی(۷)- مسائل قانون مدنی(۱)، چاپ دوم، قم: انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.

۳۳.معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۲). مجموعه نشست‌های قضایی(۸)- مسائل قانون مدنی(۲)، چاپ دوم، قم: انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.

۳۴.نیک‌فرجام، کمال (۱۳۸۱). «ضمانت در اسناد تجارتی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۲۵، سال هفتم، صص ۱۱۷-۹۳.

۳۵.یک‌فرجام، کمال (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (برات، سفته و چک)»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، صص۲۰۲-۱۷۹.

36. Audit, Bernanrd. (1991). Droit International prive, Economica. Paris.
37. Bills of Exchange Act, 1882 – legislation. Gov. U.K, available at: http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/61
38. Code des Obligations, Loi fédérale complétant le Code civil Suisse, (Livre inquième: Droit des obligations), du 30 mars 1911 (Etat le 1er avril 2017), L'Assemblée fédérale de la Confédération Suisse, available at: https://www.droit-bilingue.ch/rs/lex/1911/00/19110009-unique-fr-it.html
39. Convention Providing a Uniform Law for Cheques. Done at: Geneva Date enacted: 1931-03-19, In force: 1934-01-01, available at: https://www.jus.uio.no/english/services/library/treaties/09/9-03/law-cheques.xml
40. Convention Providing a Uniform Law for Bills of Exchange and Promissory Notes (Geneva, 1930) The League of Nations, available at: https://www.jus.uio.no/lm/bills.of.exchange.and.promissory.notes.convention.1930/portrait.pdf
41. Fabre-Magnan. Muriel. (2008). Droit des obligations, (contract et engagements unilateral) 1e. ed. Presses universitaires de France.
42. Kolasa, Blair J., (1978), Legal Systems, United States of America, Prentice Hall.
43. Lowe, Robert. (1973). Commercial Law. Fourth Edition. London: Sweet and Maxwell.
44. Mann, Richard A.; Roberts, Barry S. (2005). Business Law and the Regulation of Business. Eighth Edition. United States of America: Thomson.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

45. Roderick, Munday. (2010). Agency: Law and Principles. New York: Oxford University Press.
46. Smith, J. E.; Soberman, D. A.; Easson, A. J. (2007). The Law and Business Administration in Canada. America: Pearson, Toronto.
47. United Nations commission International Trade Law (UNCITRAL) 1988, available at: https://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/arb-rules/arb-rules.pdf

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]